

## جمع‌آوری شاخص‌های زبانی و قومی در سرشماری‌ها: آری یا خیر؟

سالار سیف‌الدینی؛ پژوهشگر مسائل قومی

۹ مهر ۱۳۹۴

شماره مسلسل: ۴۴۰۰۱۴۹

شماره شاپا: ۵۳۸۵-۲۴۲۳

### پیشینه بحث

نخستین سرشماری نفوس و جمعیت در ایران توسط سازمان جغرافیای ارتش و تحت نظارت سرتیپ حسینعلی‌رزم‌آرا و بین سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۳ انجام شد. در این مجموعه علاوه بر جمعیت ویژگی‌هایی مانند زبان، مذهب و دین نیز مورد لحاظ قرار گرفته بود. برخی از پژوهشگران معتقدند که این مجموعه در کنار اهمیتی که دارد به عنوان اولین و احتمالاً آخرین تجربه از این جنس کاستی‌های زیادی از جمله ناآشنایی تشکیلات ارتش و ژاندارمری با پیچیدگی‌های این امر داشت. در آن دوره جمعیت ایران بالغ بر ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بود. ناآشنایی گردآورندگان با مبانی این کار موجب تعریف گروه‌های جمعیتی نامانوس مانند، فارسی محلی، فارسی-حنفی، فارسی-لری و... شده بود.

### حس و گمان در آثار و کتاب‌ها

همانطور که گفته شد، نبود اطلاعات دقیق و متقن در این خصوص باعث گمانه‌زنی و تخمین‌های متعارضی در زمینه جمعیت اقوام، قومیت‌ها و گویشوران زبان‌های محلی ایران شده است.

آبراهامیان در ایران بین دو انقلاب آبراهامیان به محل سکونت عشایر و ترکیب زبانی نواحی کشور اشاره می‌کند. برای مثال وی جمعیت آذری‌ها در ۱۲۹۹ را ۲۷٪ کل جمعیت ایران دانسته است و تخمین‌هایی نیز در خصوص بلوچ‌ها و عرب‌زبان‌ها مطرح کرده است<sup>۱</sup> که البته مبنای و اساس این تخمین را مشخص نکرده است. وی در کتاب تاریخ ایران مدرن نیز به این موضوع علاقه نشان داده اما برآورد دقیق جمعیت ایلات و عشایر را ناممکن دانسته است:

«این نکته را یکی از روسای ایلات تصدیق کرده است. او نه تنها از جمعیت ایل خود خبر نداشت بلکه به دلیل اینکه رقم حقیقی افراد ایل مالیات بیشتری را نیز به همراه می‌آورد، علاقه‌ای هم به دانستن آن نداشت»<sup>۲</sup>

۱- ایران بین دو انقلاب: ۲۱

۲- تاریخ ایران مدرن: ۴۷۴

### درآمد

حذف آمار کمی گروه‌های زبانی و قومی ایران از فکت‌بوک سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) یکبار دیگر بحث لزوم یا عدم لزوم جمع‌آوری دقیق اطلاعات مربوط به گروه‌های زبانی و قومی را در ایران فریاد آورد.

«فکت‌بوک سیا» که به صورت آنلاین نیز قابل دسترس است، آمار و اطلاعات پایه در خصوص تمام کشورهای جهان از جمله شاخص‌های جمعیتی زبان و قومیت را جمع‌آوری و منتشر می‌کند. اطلاعات این بخش از داده‌های ایران در سال ۲۰۱۴ به روزی‌رسانی شده بود و با توجه به نبود اطلاعات دقیق رسمی در این باره، منبعی برای نویسندگان و پژوهشگران خارجی و گاه داخلی در خصوص ایران به‌شمار می‌رفت.

به موجب قانون، مرکز آمار ایران موظف است هر ده سال یکبار به جمع‌آوری اطلاعات جمعیتی اعم از جنس، سن، وضع زناشویی، دین، مهاجرت، سواد، خانوار، مسکن، کار، سوخت و... بپردازد. این اطلاعات در نهایت از سطوح کشوری، استانی و شهرستانی مورد استفاده سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد. تاکنون سابقه پرسش از قومیت و زبان افراد در سرشماری‌های سراسری وجود نداشته است با این‌جود برخی این انتقاد را مطرح کرده و بر لزوم جمع‌آوری اطلاعات شهروندان بر اساس قومیت و زبان تاکید دارند.

در مقاله حاضر به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که سیاست «اعمالی» دولت ایران در جمع‌آوری نکردن آمار و شاخص‌های اقوام ایرانی به شکلی که در برخی کشورها رایج است، سیاستی درست و کارآمد است یا خیر!

تأثیری محسوس گذاشته است.<sup>۴</sup> وی همچنین بر گزینش‌ها و حتی تحریف‌های دلخواهانه محقق اسرائیلی اشاره می‌کند. برای نمونه خانم شیفر روزنامه «آذربایجان جزو لاینفک ایران» که توسط بخشی از آذری‌های ایران در قفقاز منتشر می‌شد را به عنوان یکی از فعالیت‌های قوم‌گرایانه آذری‌ها در خارج از مرزهای ایران معرفی و ت عمداً جزء دوم نام نشریه را حذف می‌کند.<sup>۵</sup>

## روایت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا از ترکیب

### جمعیتی ایران

سازمان سیا به صورت مستمر داده‌های پایه در خصوص کشورها را جمع‌آوری و احتمالاً در تحلیل‌های خود ملاک ارزیابی قرار می‌دهد. این داده‌های پایه که به فکت‌بوک سیا معروف است اخیراً از طریق اینترنت در اختیار عموم قرار گرفته‌است. اما پس از گذشت چند سال این سازمان آمار مربوط به گروه‌های زبانی ایران را از پایگاه خود حذف کرد. داده‌های مزبور در سال ۲۰۱۴ به روزرسانی شده بود. جدول زیر داده‌های حذف شده سیا در خصوص گروه‌های زبانی را بدون دخل و تصرف نشان می‌دهد. یادآوری این مهم ضروری است که این داده‌ها و تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته لزوماً صحیح نیستند. برای مثال در حالی که داده‌های جمعیتی تا اندازه‌ای به حقیقت نزدیک‌اند اما تقسیم‌بندی صورت گرفته خالی از ایراد نیست. برای مثال گروه‌های مانند لر و بختیاری شاخه‌های مشخصی از زبان فارسی به شمار می‌روند و اصولاً ملاک این گروه ملاکی عشیره‌ای و طایفه‌ای است نه زبانی. از سوی دیگر اگر منظور تذکر زبان‌های محلی ایران بوده باشد، زبان‌های مهم دیگری وجود دارند در این جدول به آنها اشاره نرفته‌است. بنابراین بهتر بود گروه لر و بختیاری در تقسیم‌بندی زیر در زمره فارسی‌زبانان محاسبه می‌شدند. از سوی دیگر جدول زیر بین گروه آذربایجانی زبان و ترکمن و قبایل ترک به درستی قائل به تفکیک شده است.

مهرداد ایزدی در کتاب کردها جمعیت کردهای ایران را در سال ۱۹۹۰ معادل چهار و دوازده صدم درصد یعنی ۶ میلیون ششصد هزار نفر دانسته است. وی این تعداد را با افزایش جمعیت در سال ۲۰۰۰، نه میلیون نفر و معادل ۶/۱۲٪ جمعیت ایران دانسته است. برندا شافر، مارتین برونین و فریده کوهی نیز به نوبه خود تخمین‌هایی در خصوص نفوس و جمعیت اقوام ایرانی در سال‌های اخیر داشته‌اند.

## روایت قومی از ترکیب جمعیتی ایران

نخبگان و رهبران قومی یکی از مهم‌ترین مدعیان جمعیت اقوام و قومیت‌ها در سراسر جهان هستند. تمامی پویش‌های قومی سعی می‌کنند برای افزایش وزن سیاسی خود، جمعیت جامعه‌ای که مدعی نمایندگی آن هستند را «انبوه و کثیر» نشان داده و بر اهمیت حرکت سیاسی خود تاکید کنند. ایران هم از این قاعده برکنار نیست.

عبدالرحمن قاسملو تعداد کردهای ایران در دهه ۱۳۶۰ را ۱۷٪ از جمعیت ایران می‌دانست<sup>۳</sup> که به نظر می‌رسد عراق‌آمیزترین میزان باشد. عبدالله غفوری نویسنده قوم‌گرایی کرد عراق نیز جمعیت کردهای ایران در ۲۰۰۰ را ۱۳ میلیون و ۳۶۸ هزار می‌داند. قوم‌گرایان آذری جمعیت آذربایجانی‌ها را در دهه ۱۳۸۰ بالغ بر ۳۵ میلیون و در دهه ۱۳۹۰ بالغ بر پنجاه میلیون می‌دانند.

در این بین آمار برخی از نویسندگان خارجی که عمدتاً با اهداف امنیتی به مباحث تنوع زبانی در ایران ورود می‌کنند به یاری این نحله فکری می‌آید. رقم ۳۵ میلیون آذربایجانی برای نخستین بار از طرف برندا شیفر استاد دانشگاه حیفا که معتقد به تجزیه ایران است، منتشر شد. وی در کتاب خود یعنی مرزها و برادری، تعداد آذری‌ها و قبایل ترک ایران (ترکمن، قشقایی، افشار و...) را نزدیک به ۳۵ میلیون برآورده کرده‌است. تورج اتابکی در مقاله با عنوان تمامیت ارضی و تنوع قومی در ایران در نقد کتاب شفر بر نگاه تعصب‌آلود وی در ارزیابی‌هایش اشاره می‌کند که نه تنها بر روش‌شناسی مولف بلکه بر نحوه گزینش برخی از داده‌های تاریخی نیز

۴- اتابکی: ۱۸۲

۵- اتابکی: ۱۸۳

۳- هوشمند

## آمار گروه‌ها و اقوام ایران به روایت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا<sup>۶</sup>

نام گروه جمعیتی	درصد	جمعیت
فارسی زبان	۶۱	۴۵۷۰۰۰۰۰
آذری	۱۶	۱۲۰۰۰۰۰۰
گُرد	۱۰	۷۵۰۰۰۰۰
لروبختاری	۶	۴۵۰۰۰۰۰
بلوچ	۲	۱۵۰۰۰۰۰
عرب زبان	۲	۱۵۰۰۰۰۰
ترکمن و قبایل تُرک (قشقایی، خلیج)	۲	۱۵۰۰۰۰۰
سایر(ارمنی، کلیمی، آشوری و...)	۱	۱۵۰۰۰۰۰

### ایران کشوری چند قومی یا تک قومی

در مباحث نسبتاً جدید مربوط به دهه ۱۹۸۰ برخی الگوهای تقسیم‌بندی‌ها بر اساس میزان ترکیب قومی و زبانی کشورها صورت‌گرفت که نشان‌دهنده بافت ملی آن جوامع بود. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌ها مربوط به پیترتیلور جغرافیدان سیاسی است که کشورها را به دولت‌های ملی، دو ملیتی و چندملیتی تقسیم کرد. از نظر وی کشورهایی که از گروه‌های قومی متعدد تشکیل شده و هیچ‌کدام از آن‌ها بیش از ۶۰٪ کل جمعیت را تشکیل ندهند کشور چند ملیتی هستند. در این تقسیم‌بندی کشورهایی که در آنها یک گروه قومی حدود نیمی از جمعیت را دربرگرفته باشد (سودان، فیلیپین و قرقیزستان) کشور غیرملی به حساب می‌آید. بنابراین کشور چندقومی کشوری است که از چند قومیت متفاوت تشکیل شده و هیچ یک بیش از ۶۰٪ کل جمعیت را تشکیل ندهد.<sup>۷</sup>

با توجه به مدل تیلور از یک‌طرف و آمار گروه‌های زبانی ایران از منظر سیا می‌توان پنج‌گروه زبانی کاملاً مشخص که اقوام ایرانی را تشکیل می‌دهند در ایران مشخص کرد: فارسی‌زبان‌ها، آذری‌ها، کردها، بلوچ‌ها و عرب‌زبان‌ها. ضمن این‌که تقسیم‌بندی‌های جزئی‌تری در بین خود این‌گروه‌های

جمعیتی وجود دارد که فعلاً از محاسبه آنها در تحلیل کلی صرف‌نظر می‌کنیم. مانند این حقیقت که گروه جمعیتی گُرد در عمل یک گروه زبانی یکپارچه به لحاظ زبان و مذهب نیستند. برای مثال کردی کرمانجی و کردی سورانی تفاوت‌های عمیق و معنی‌داری با یکدیگر دارند. گُردی فیلی و اورامی نیز با سایر شعبه‌های زبان کردی ایران متفاوت‌اند. هنگامی که فاکتور مذهب نیز در کنار این معیار قرار می‌گیرد مشترکات درون قومی بخشی از همین شعبات با سایر اقوام ایرانی بیشتر از خودکردها می‌شود.

اگر معیارهای جمعیتی سازمان سیا را ملاک و الگوی تیلور را نیز پایه تحلیل قرار دهیم، خواهیم دید که ایران جامعه‌ای تک‌قومی است. زیرا کشور چندقومی به کشوری گفته می‌شود که «از چندگروه متفاوت قومی تشکیل شده است و هیچ‌یک بیش از ۶۰٪ کل جمعیت را تشکیل نمی‌دهند». بنابراین اولاً همسانی اقوام ایرانی بیشتر از تفاوت‌های آنها است و دوماً جمعیت فارسی‌زبان ایران در این جدول ۶۱٪ عنوان شده است ولی گروه جمعیتی لر و بختیاری از مقدار کلی آن کسر و جمعیت آنها نیز شش درصد کل جمعیت کشور محاسبه شده است. با بازگرداندن این مقدار به مصدر اصلی خود که حقیقتی تاریخی و زبان‌شناختی است، خواهیم دید که جمعیت فارسی زبان ایران ۶۷٪ است و به راحتی می‌توان ایران را کشوری تک قومی تلقی کرد. به اضافه این‌که آذری‌ها نیز تنها در معیار گویش و زبان محلی با فارسی‌زبان‌ها متفاوت‌اند. آن‌ها در تاریخ مشترک، نژاد، اقتصاد و وابستگی اقتصادی، فرهنگ کلان و آیین‌های ایران هیچ تفاوتی با سایرین ندارند و جزو «هسته سخت ملی» محسوب می‌شوند. حتی برخی از چهره‌های تندرو چپ‌گرا مانند بیژن جزنی و کیانوری آذری‌ها و فارسی‌زبان‌های ایران را جزو گروه مسلط ملی قلمداد می‌کردند. وی در جزوه نوزده بهمن تئوریک به این تحلیل رسیده بود که آذری‌ها همراه با فارس‌ها خصوصیات خلق حاکم را از خود نشان می‌دهد.<sup>۸</sup> نورالدین کیانوری که از ایران چندقومی و گاه چندملیتی دفاع ملی می‌کرد از مشارکت عمیق

6 - <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook>

۷- میرحیدر: ۱۶۷

۸- نوزده بهمن تئوریک: ۱۰۲

ایران احتمال دوم قوی‌تر است و این خود به چالشی دیگر علیه دولت تبدیل خواهد شد.

آسیب دیگری که در خصوص جمع‌آوری آمار قومی و زبانی در سرشماری‌ها وجود دارد، ظهور یک نوع مسابقه برای بروز و ظهور هویت فروملی در کشور بین رسانه‌ها و جریان‌های قوم‌گرا است تا شهروندان را ترغیب به استفاده از ترم‌ها و اصطلاح‌های مورد نظر خود در اعلام قومیت و زبان نمایند. مسابقه‌ای که باعث درگیری رسانه‌های بزرگ و همچنین سوءاستفاده بسیاری از رسانه‌های فارسی‌زبان از مساله خواهد شد.

مجموع این کنش و واکنش‌ها جامعه را به سوی قوم‌گرایی و برجسته‌شدن هویت‌های قبیله‌ای و فروملی پیش‌برده و باعث تضعیف قدرت ملی و انسجام داخلی می‌شود.

### توصیه‌های سیاستی

دولت جمهوری اسلامی ایران یک دولت ملی و نماینده ملت ایران به شمار می‌رود و روایت مذهبی از اقلیت‌ها را پذیرفته و تنوع فرهنگی داخل کشور را انکار نکرده بلکه با روایت «اقوام ایرانی» که نشانگر برخی تمایزات ناحیه‌ای اما فاقد بار غیریت‌ساز است، این تنوع را می‌پذیرد. اقوام ایرانی خانواده بزرگ ملت ایران را تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد اسناد بالادستی نیز مویدی قوی بر این روایت باشند.

این دولت مبنای سیاست‌های خود را بر اساس شهروندی و هویت ایرانی پایه‌گذاری کرده و بر «هویت ملی» که در برگرفته مذهب و ملیت به صورت توأمان است اولویت می‌دهد. در چنین ساختاری جمع‌آوری آمار و داده‌های قومی و زبان در قالب سرشماری‌های رسمی به دلایل زیر مفید فایده نیست:

۱- اساساً دولت نیازی به این آمار ندارد زیرا سیاست‌های توسعه‌ای، عمرانی و اجتماعی آن بر اساس قومیت تنظیم نمی‌شود.

۲- اگر داده‌های سازمان سیا و مدل پیتز تیلور را مد نظر قرار دهیم، ایران کشوری چندقومی نیست. زیرا دارای بافتی ۶۷٪ یکسان است و در سطحی دیگر ۸۳٪ در «هسته‌سخت

اقتصادی و سیاسی آذری‌ها در هرم قدرت به عنوان یک گروه مسلط صحبت می‌کند.<sup>۹</sup>

با این تحلیل می‌توان ادعا کرد که یک هسته سخت ملی در ایران وجود که ۸۳٪ کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد و اعضای آن بیشترین همسانی و اشتراک را دارند.

### سرشماری قومی: مطلوبیت یا عدم مطلوبیت

دوگانگی یا چندگانگی قومی از اهمیت وافر برای دولت‌های جهان برخوردار است. دولت‌ها برای رسیدن به جمع‌بندی درست از وضعیت قومی و تدوین یک سیاست کارآمد نیاز به شاخص‌های مشخصی دارند. از سوی دیگر نحوه دست‌یابی به چنین شاخص‌ها و آمارهایی در کشورهای پرجمعیت از مسیر پیمایش‌های میدانی کلان به ویژه سرشماری می‌گذرد. سیاست سنتی و نانوخته دولت ایران از آغاز سرشماری‌ها در دهه ۱۳۳۰ بر این مبنا قرار گرفته است که از پرسش در خصوص زبان و ریشه قومی شهروندان به هنگام سرشماری خودداری کند. این شیوه معایب و محاسنی را در پی دارد: نخست اینکه تعداد اتباع خارجی مقیم ایران و یا شهروندانی که با اخذ ملیت و تابعیت ایران به شهروندی درآمده‌اند مشخص نخواهد شد. به این ترتیب دقیقاً مشخص نیست که چه تعداد عراقی، افغانی و پاکستانی و... در ایران ساکن هستند و تمرکز حضور آنها در کدام نواحی کشور است.

کنشگران قومی نیز خواستار احصاء و تعیین تعداد جمعیت هر یک از گروهایی هستند تا از سردرگمی در تحلیل و ارزیابی رها شوند. اما موضوع بفرنجی که وجود دارد این است که هر یک از گروه‌های سیاسی که خود را به اقوام ایرانی منتسب می‌کند، درحقیقت ادعایی بیش از واقعیت موجود دارند. به صورتی که اگر ادعای تمام این گروه‌ها را مبنای شمارش کل جمعیت قرار دهیم جمعیت ایران بسیار بیشتر از آنچه که آمار رسمی نشان می‌دهد، خواهد بود. این به آن معنی است این گروه‌ها پس از انتشار فرضی آمار دولتی یا باید از ادعا خود انصراف دهند و یا مدعی دستکاری دولتی در آمار قومیت‌ها شوند که با توجه به روحیه و پیشینه این مباحث در

۹- کیانوری: ۱۱۲

ملی» است که در صفحات بالا تبیین شد. بنابراین اولویت دولت باید تقویت هویت ملی و هسته سخت کشور باشد.

۳- نیروهای و جریان‌های مدعی نمایندگی اقوام به هیچ روی حاضر به پذیرش واقعیت‌های جمعیتی موجود نبوده و نظام را به انکار و کاستن از میزان جمعیت اقوام و قومیت‌ها متهم خواهند کرد. این درحالی‌است که حتی سازمان سیا نیز درصدهای واقعی‌تری را ملاک فکت بوک خود قرار داده بود.

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.